

بلایی که شاه بر سر متدینین و روشنفکران آورد

۲ دی ۱۴۰۲ ساعت ۱۱:۵۶

شاه مقابل کوشید تا با شتاب دادن به مدرنیزاسیون کشور آن هم به صورت اجباری و برنامه‌ریزی شده، از یک سو با سنت‌ها مبارزه کند و از سوی دیگر رهبری را از دست روشنفکران ضد استبداد بگیرد.

اقدامات سیاسی- اقتصادی و فرهنگی شاه تنها محدود به گروه‌های مذهبی نبود. بلکه شاه با اقدامات خود حمایت روشنفکران را نیز از دست داد. یکی از دلایل و اقداماتی که باعث ضربه زدن به روشنفکران شد، اقدامات مدرنیزاسیون شاه بود:

«رژیم پهلوی با تمام توان حرکت‌های آزادیخواهانه ایرانی را اعم از حرکت‌های روشنفکری و دینی بعد از ۲۸ مرداد سرکوب کرد. در مقابل کوشید تا با شتاب دادن به مدرنیزاسیون کشور آن هم به صورت اجباری و برنامه‌ریزی شده، از یک سو با سنت‌ها مبارزه کند و از سوی دیگر رهبری را از دست روشنفکران ضد استبداد بگیرد و به آنان تفهیم کند که می‌تواند با همین روش، آنچه را که آنان خواهانش هستند، تحقق بخشد. این سیاستی بود که پدرش هم دنبال کرده بود. این اقدام دستگاه استبدادی شاه، از یک سو متدینین را خشمگین کرد و از سوی دیگر روشنفکران را به مقابله با او واداشت و از جهت دیگر در عمق خود، روشی نابه‌نجار و نامتناسب می‌نمود. این مسائل یک بحران فکری خاصی را پدید آورد. روشنفکر این جامعه نمی‌دانست با فراموش کردن آرمان‌های دمکراتمنشانه و صرفاً برای رسیدن به مدرنیسم و تجدد، از استبداد شاه حمایت کند یا آنکه به مقابله با شاه بپردازد و در این راه با مذهبی‌ها همراه شود. بخشی به بدنه نظام چسبیدند و بخشی دیگر عملاً در اختیار یک نیروی مذهبی قوی قرار گرفتند که در برابر رژیم ایستاده بود. این افراد حتی اگر خود را تحت عنوان روشنفکر مذهبی در اختیار رژیم قرار نمی‌دادند، ثمره کارشان به نفع این قشر تمام می‌شد که شد. در واقع مقابله با حرکت مدرنیزاسیون، سبب تولید اندیشه جدیدی در حمایت از دین و مذهب برای حفظ سنت‌ها شد؛ حرکتی که روشنفکران حتی غیردینی هم بی‌علاقه به آن نبودند.»

منبع: سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۱

